خارج اصول5

شنبه 30/ 6/ 98

\*اقسام واجب\*

­­­­­­­­­­­­­­­­­­­­­­­کلام در جواب چهار سؤال بود سه مورد گذشت. گفتیم وجوب فعلی و واجب استقبالی، هم مثال عرفی دارد مانند امر طبیب به لزوم مصرف دارو که بین امر طبیب و تهیه و مصرف دارو معمولاً فاصله است؛ و هم مثال شرعی دارد مانند آیه ی حجّ که حجّ را با استطاعت واجب می کند و بین استطاعت و انجام حجّ، فاصله است.

جواب سؤال چهارم[[1]](#footnote-1)

خیر! حل مشکل مقدّمات مفوّته، منحصر در واجب معلّق نیست. بلکه راه های دیگری هم دارد:

1.قائل شویم به اینکه مقدّمات مفوّته واجب نفسی اند نه غیری گرچه با اتیان اینها به مصلحت ذی المقدّمه می رسیم. بعبارة أخری: این مقدّمات واجب للغیر هستند نه بالغیر. بلکه واجب بنفسه و للغیر می باشند. ما صار واجبا بنفسه للوصول إلی الغیر.

2.حکم عقل به اینکه: اگر کاری مقدّمه ی کار دیگری است بطوریکه اگر اتیان نشود، مصلحت ذی المقدّمه در زمان خودش فوت می شود، باید مکلّف مقدّمه را قبل از زمان ذی المقدّمه اتیان کند لذا در مثال حجّ، باید مقدّمات سفر را قبل از موسم حجّ آماده کند.

إن قلت: بحث در وجوب شرعی است و الّا در وجوب عقلی بحثی نیست.

قلت: قاعده ی «کلّ ما حکم به العقل حکم به الشرع»، اگر همه جا صحیح نباشد، در اینجا صحیح است لذا از حکم عقل، به حکم شرع پی می بریم.

3.جوابی که به ذهن من آمد و تصریحی از علماء ندیدم گرچه ممکن است برخی مقصودشان همین مطلب باشد؛ و آن اینکه بگوییم: واجب از نظر حکم –چه حکم تکلیفی و چه حکم وضعی- دو قسم است: مشروط و مطلق؛ حکم وضعی در ما نحن فیه عبارت است از صحّت؛ مانند صحّت حجّ. برای رفع مشکل مقدّمات مفوّته می گوییم: واجب از نظر حکم تکلیفی، مطلق است و از نظر حکم وضعی، مشروط است لذا در زمان استطاعت، وجوب حجّ، فعلی است زیرا مطلق است و صحّت آن، استقبالی است زیرا مشروط است. رسیدن زمان حجّ، شرط وجوب نیست بلکه شرط صحّت است. بعبارة أخری: واجب، حکماًتکلیفیا مطلق است و حکماً وضعیا مشروط است. در نتیجه بعد از استطاعت، مقدّمات حج نیز وجوب فعلی دارد زیرا وجوب حج، فعلی است. بنابراین نیازی به اصطلاح جدید مانند «واجب معلّق» نیست.

(پایان)

1. . -4.آیا علاج مقدّمات مفوّته منحصر در قول به واجب معلّق است یا نه؟ [↑](#footnote-ref-1)